Supreme National Defense University Quarterly Journal of Strategic Management Research in National Defense

https://issk.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8219

Vol. 10, No. 2, Issue. 38, Summer 2026 **Received:** 2025/10/03 **Accepted:** 2026/04/11

Research paper

A Model for Managing Political and Social Protests in the Islamic Republic of Iran from 2017 to 2022

Amir Hossein Yousefi
PhD Student in Political Sociology, Faculty of Law and Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Mohammad Shahmohammadi
Associate Professor and Faculty Member, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: m.shahmoammadi@sndu.ac.ir
Behrouz Rashidi
Assistant Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

This study examines the nature, causes, and management model of political and social protests in the Islamic Republic of Iran between 2017 and 2022, a period marked by several successive waves of large-scale and multilayered protests. The central research problem was to identify the prevailing model used to manage these protests and to explain its underlying logic and stages of evolution within the context of domestic and environmental developments. The study adopted a qualitative approach and employed thematic analysis; in terms of purpose, it falls within the scope of applied and developmental research. The research data were obtained from two main sources: a systematic content analysis of materials and discussions related to political and social protests between 2017 and 2022, and an in-depth analysis of expert perspectives in the fields of politics, security, society, and media through nine semi-structured interviews. The findings indicate that the model used to manage political and social protests in the Islamic Republic of Iran during this period was hybrid, dynamic, and stage-based. Rather than operating in a linear or uniform manner, the model was modified and recalibrated according to the type of protest, the perceived level of threat, governance capacity, and the prevailing social and media environment. The model consists of five major components: coercive control and immediate containment, soft and persuasive management, local and community-based management, media and cognitive management, and economic and social remedial measures.

Keywords: Protest Management; Social Movements; Political Order; Relative Deprivation

فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی
سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۴۶۵-۴۹۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۲
مقاله پژوهشی

الگوی مدیریت اعتراضات سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱

امیر حسین یوسفی
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
محمدشاه محمدی
دانشیار و عضو هیئت‌علمی، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: m.shahmoammadi@sndu.ac.ir
بهروز رشیدی
استادیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

در این پژوهش به تبیین ماهیت، علل و نیز الگوی مدیریت اعتراضات سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ پرداخته شده است؛ دوره‌ای که با بروز چند موج متوالی از اعتراضات گسترده و چندلایه همراه بوده است. مسئله اصلی پژوهش، شناسایی الگوی حاکم بر مدیریت این اعتراضات و تبیین منطق درونی و مراحل تحول آن در بستر تحولات داخلی و محیطی است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون انجام شده و از نظر نوع هدف در حیطه پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای است. داده‌های پژوهش از دو منبع تحلیل محتوای نظام‌مند مطالب و مباحث مرتبط با اعتراضات سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ و تحلیل عمیق خبرگان حوزه‌های سیاست، امنیت، اجتماع و رسانه با ۹ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته حاصل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی مدیریت اعتراضات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در این دوره، الگویی ترکیبی، پویا و مرحله‌ای است که به‌صورت خطی یا یکپارچه عمل نکرده، بلکه متناسب با نوع اعتراض، سطح تهدید، ظرفیت حکمرانی و شرایط اجتماعی-رسانه‌ای دچار تغییر و باز تنظیم شده است. این الگو مشتمل بر پنج مؤلفه کنترل سخت‌افزاری و مهار فوری، مدیریت نرم و اقناعی، مدیریت محلی و اجتماعی، مدیریت رسانه‌ای-شناختی و اقدامات ترمیمی اقتصادی و اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اعتراضات، جنبش‌های اجتماعی، نظم سیاسی، محرومیت نسبی

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

ناآرامی‌های سیاسی در سطح جهان همواره رو به افزایش است و پیوسته دامنه اجتماعی وسیع‌تری را نیز در برمی‌گیرد. این در حالی است که سیاستمداران و دانشمندان علوم سیاسی غالباً انتظار داشتند در دهه آخر قرن بیستم و به‌ویژه از قرن بیست‌ویکم درنتیجه رشد و گسترش رژیم‌های دموکراتیک و کامیابی‌های اقتصادی وسیع در سطح جهان، صلح و آرامش داخلی و خارجی کشورها افزایش یابد. چنانکه برخی از اندیشمندان بزرگ حوزه کشمکش و بی‌ثباتی در گزارش پژوهشی جنگ و صلح در جهان (۲۰۰۰) اعلام کردند که اغتشاش‌ها و بی‌ثباتی‌های اوایل دهه نود میلادی که محصول بی‌نظمی‌های ناشی از پایان جنگ سرد و تثبیت رژیم‌های جدید بود، به‌طور کامل مهار خواهد شد، به‌نحوی‌که پیش‌بینی می‌شود با وجود دو برابر شدن نسبت کشورهای دموکراتیک به کشورهای اقتدارگرا و نصف شدن تعداد و شدت جنگ‌های درون و بیرون کشوری، در دهه آینده تاریخ بشر صلح‌آمیزترین دهه خود را تجربه خواهد کرد. بااین‌حال، افزایش حوادث خشونت‌بار در جهان موجب شد کارشناسان مذکور در گزارش سال ۲۰۰۳ نظراتشان را تغییر دهند. در دوره معاصر که دموکراتیزاسیون گسترده و رشد اقتصادی بی‌سابقه در جهان حکم‌فرما شده است، افزایش کنش‌های سیاسی اعتراضی منجر به بی‌ثباتی در کشورها، برخلاف انتظار اندیشمندان بوده و خود را به شکل معما و تناقضی برای دانشمندان جهان مطرح کرده است. در برخی از کشورهای درحالِ‌توسعه اعتراض‌های مردمی به‌سرعت شکل آشوب و شورش سیاسی به خود می‌گیرند به‌طوری‌که این نوع رویدادها به پدیدهای طبیعی در این کشورها تبدیل‌شده است. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته این امر بسیار کمیاب است، هرچند نایاب نشده است. بنا به گفته اینگلهارت واقعیت این است که توسعهٔ اقتصادی و رفاه عمومی در کشورهای پیشرفته صنعتی راه را برای انواع دیگری از اعتراض‌های سیاسی به‌ویژه در قالب جنبش‌های جدید اجتماعی گشوده است. در دهه‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران با موج‌های متعددی از اعتراضات سیاسی و اجتماعی مواجه شده است.

مدیریت اعتراضات به‌عنوان یکی از ابعاد مهم حکمرانی، نقشی کلیدی در حفظ ثبات

اجتماعی و سیاسی دارد. استفاده از استراتژی‌های مناسب می‌تواند به کاهش خشونت، افزایش رضایت عمومی و حفظ نظم کمک کند. از سوی دیگر، استفاده نادرست از روش‌ها و ابزارهای مدیریتی ممکن است منجر به افزایش نارضایتی، خشونت و بحران‌های بیشتر شود؛ بنابراین، مطالعه و تحلیل الگوهای مدیریتی به‌کار گرفته‌شده در مواجهه با اعتراضات می‌تواند درس‌های مهمی را برای آینده به‌همراه داشته باشد.

پژوهش حاضر ناظر بر اعتراضات سیاسی اجتماعی در ایران از چندین بُعد قابل بررسی است؛ ایران در اعتراضات فاصله زمانی ۱۳۹۶-۱۴۰۱ شاهد تحولات گسترده‌ای بوده است. به‌طوری‌که بررسی این دوره به فهم بهتر دینامیک‌های اجتماعی و سیاسی ایران کمک قابل توجهی می‌کند. ازجمله اعتراضات مهم این دوره می‌توان به اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، آبان ماه ۱۳۹۸ اشاره کرد. تحلیل این رویدادها از منظر تاریخی و اجتماعی بسیار اهمیت دارد. فهم چگونگی مدیریت اعتراضات توسط نهادهای حکومتی و امنیتی می‌تواند به بهبود راهبردها و سیاست‌های مدیریت بحران درآینده کمک کند و با تحلیل و ارزیابی روش‌های به‌کارگرفته شده درگذشته، می‌توان راهکارهای مؤثرتری برای پیشگیری از بحران‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی آینده ارائه داد. اعتراضات گسترده می‌تواند تأثیرات مخربی بر اقتصاد کشور داشته باشد. بررسی این تأثیرات و ارائه راهکارهای مدیریتی مناسب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نتایج این پژوهش می‌تواند به تدوین سیاست‌ها و قوانین بهتر در راستای مدیریت بهتر اعتراضات کمک کند. این پژوهش می‌تواند به افزایش دانش و فهم علمی از مدیریت اعتراضات و بحران‌ها کمک کند. ارائه یک چهارچوب جامع برای تحلیل و مدیریت اعتراضات می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای پژوهش‌های آینده در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات تطبیقی با سایر کشورها و نظام‌های سیاسی باشد و به فهم بهتر روش‌های مختلف مدیریت اعتراضات در سطح بین‌المللی کمک کند. ارائه راهکارهای مؤثر و انسانی برای مدیریت اعتراضات می‌تواند به بهبود تصویر بین‌المللی ایران کمک کند. با توجه به این ابعاد متعدد، پژوهش مورد نظر دارای اهمیت زیادی است و می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی و علمی برای بهبود مدیریت اعتراضات و افزایش ثبات

اجتماعی و سیاسی در ایران کمک کند. براساس توضیحات و مباحثی که مطرح شد این پژوهش به دنبال نیل به هدف ذیل است: تبیین الگوی مدیریت اعتراضات سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران بین فاصله سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۱.

۱. پیشینهٔ پژوهش

کتاب «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند» نوشته تد رابرت گر ترجمه علی مرشدی زاده است. در این کتاب گر به رویکردی روان‌شناسانه به مبحث خشونت جمعی و سیاسی می‌پردازد. نظریه تد رابرت گر به‌عنوان نظریه روان‌شناسانه، متوجه تمامی نظریات کل‌گرایی است که به دنبال ارائه تبیینی عام برای مجموعه‌ای از پدیده‌های همسان هستند. این مطالعه به بررسی ویژگی‌های دمکراتیک و استبدادی تمامی رژیم‌ها در سطح جهان از سال ۱۸۰۰ تا زمان حاضر می‌پردازد (رابرت گر، ۱۴۰۲).

کتاب «شورش سیاسی» نوشته تد رابرت گر، ترجمه سعید صادقی جقه مجموعه‌ای از مقالات است که به علل و عقبه‌های شورش‌ها و اعتراضات سیاسی می‌پردازد. در این کتاب، گر با تحقیقات تجربی، مباحث نظری، تفاسیر و مطالعات موردی از دید علوم اجتماعی با رویکرد روان‌شناسانه به سیاست‌های مهم شورش‌ها و منازعه‌ها پرداخته است. موضوعاتی که در این مجموعه مطرح می‌شوند، شامل عناصر تعیین‌کننده انواع خشونت سیاسی و پتانسیل تبدیل‌شدن آن به خشونت جمعی در طول زمان است (رابرت گر،۱۴۰۰).

مقاله «مطالعات پایه: سنجش محرومیت نسبی در نظریه تدرابرت گر» نوشته کاظم سام دلیری است. در این مقاله در مورد محرومیت نسبی در نظریه تدرابرت گر صحبت می‌کند. نظریه محرومیت نسبی توسط تدرابرت گر مطرح‌شده است، به اعتقاد او، محرومیت نسبی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد در راه دستیابی به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی برخورد کنند. در این شرایط، آنان دچار محرومیت نسبی می‌شوند و این وضعیت به منبع محرومیت آسیب می‌رساند. اصولاً محرومیت نسبی نتیجه‌ای از تفاوت بین انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها) افراد است (سام دلیری،۱۳۸۲).

مقاله «چالش‌های فراروی آزادی تجمعات و اعتراضات در جمهوری اسلامی ایران» به قلم نویسندگان شکر الهی و صفر زاده عربی است. نویسندگان این مقاله به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند که آیا اصل آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها با شرط اخذ مجوز قابل‌جمع است یا خیر؟ و یا این‌که براساس این اصل صرف اعلام قصد انجام راهپیمایی کافی به نظر می‌رسد؟ نویسندگان ضمن بحث و نقد مباحث در نهایت پیشنهاد می‌کنند گروه و سامانه راهبریِ اجتماعات و اعتراضات مردمی ایجاد شود و با تعیین و تبیین حدود وثغور دو قید نظم عمومی و مبانی اسلام، تحقق آزادیِ مشروع مردم عملیاتی شود (شکر الهی و صفر زاده عربی، ۱۳۹۵).

مقاله «بررسی تحولات کنش‌های کارگری چند دهه اخیر در ایران» به قلم سارمی نگاشته شده است. نویسنده این مقاله استدلال می‌کند، تحولات ساختاری در روابط کار، نیروی کار و عرصه کار موجب شده کنش‌های کارگری از حالت ستیزه‌جویانه به سمت حالت مسالمت‌جویانه معطوف شوند (صارمی،۱۳۹۳).

مقاله «اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها، بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی» نوشته سردار نیا است. در این مقاله نویسنده نخست به کارکردهای مهم اینترنت در جنبش‌های اجتماعی از حیث نظری پرداخته است و سپس به‌منظور تأیید بحث‌های نظری، جنبش‌های اجتماعی زاپاتیستا، جنبش‌های اعتراضی علیه سازمان تجارت جهانی و گروه ۸ و نیز جنبش‌های صلح‌طلبانه را به‌اجمال بررسی کرده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد از نیمه دوم ۱۹۹۰ به بعد، اینترنت باقابلیت‌هایی همچون پست الکترونیک وب‌سایت‌ها، اطلاع‌رسانی گسترده، شبکه‌سازی و هویت‌سازی بر موفقیت این جنبش‌ها در تشویق و بسیج اعتراض‌ها در سطح جهانی تأثیر قابل‌توجهی داشته است (سردار نیا، ۱۳۸۸).

مقاله «مدیریت اعتراضات اجتماعی و فرهنگی در ایران» به قلم نویسندگان سمیعیانی و دعاگویان است. در این مقاله نویسندگان به شناخت ریشه‌ها و مهم‌ترین اعتراضات اجتماعی در ایران می‌پردازد و راهکارهای مدیریت اعتراضات را با توجه به الگوی فرهنگ عمومی

جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد. درواقع، این مقاله به بررسی نحوه تأثیر فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای جامعه بر رفتار اعتراضی و نیز نقش رسانه‌ها، آموزش و سیاست‌ها در مدیریت اعتراضات می‌پردازد (سمیعیان و دعاگویان، ۱۳۹۹).

مقاله «تحلیل اعتراضات صنفی- اجتماعی اخیر در ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) از منظر نظریه سیاست خیابان» نوشته نویسندگان سردار نیا و البرزی است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که این اعتراض‌ها به لحاظ ماهوی از نوع خودانگیخته و مستقیم در خیابان، بدون رهبر، نوآوری در تاکتیک مبارزاتی، بی‌اعتمادی به تشکل‌های صنفی و مدنی، مستمر و زنجیروار، ارتباطات افقی با اعتراض‌های مشابه و ویژگی‌های دیگر بوده‌اند. (سردار نیا و البرزی،۱۴۰۱).

هر دسته از ادبیات ارائه‌شده درخصوص اعتراضات، به یکی از جنبه‌های اساسی اعتراضات در ایران پرداخته است؛ اما این پژوهش سعی دارد تا با یک رویکرد «کلان و جامع» تمامی جنبه‌ها و ابعاد اعتراضات و عوامل دخیل در آن را مورد بررسی قرار دهد. از سوی دیگر، فقدان این پژوهش منجر به بی‌ثباتی و همچنین آسیب‌پذیری دولت در مقابل جنبش‌های اجتماعی نوظهور خواهد شد. اگر بپذیریم که اعتراض سیاسی یک واقعیت در جامعه ایران و در حال افزایش است پرداختن به آن ضرورتی انکار ناشدنی است.

۲. مبانی نظری

مطالعه اعتراضات سیاسی و اجتماعی مستلزم بهره‌گیری از چهارچوب‌های نظری متنوعی است که بتوانند هم زمینه‌های بروز نارضایتی و کنش جمعی و هم نحوه مواجهه نظام‌های سیاسی با این کنش‌ها را تبیین کنند. در ادبیات نظری علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، نظریه‌های متعددی برای تحلیل اعتراضات اجتماعی مطرح شده‌اند که هریک بر بُعدی خاص از این پدیده تمرکز دارند. ازجمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه رفتار جمعی، نظریه بسیج منابع، نظریه ساختار فرصت‌های سیاسی، نظریه‌های هویتی-فرهنگی، نظریه‌های فشار ساختاری، نظریه کنش عقلانی و نظریه‌های امنیت اشاره کرد.

نظریه رفتار جمعی اعتراضات را واکنشی هیجانی، نسبتاً خودجوش و متأثر از شرایط بحران، بی‌ثباتی و اختلال در نظم اجتماعی می‌داند. در این رویکرد، تضعیف هنجارهای تثبیت‌شده و گسترش احساسات جمعی، زمینه‌ساز بروز کنش‌های اعتراضی تلقی می‌شود (اسملسر، ۱۳۸۱). هرچند این نظریه در تبیین مراحل اولیه و انفجاری اعتراضات مفید است، اما در توضیح سازمان‌یافتگی، تداوم و عقلانیت کنش‌های اعتراضی با محدودیت‌هایی مواجه است. در مقابل، نظریه بسیج منابع با تأکید بر نقش سازمان‌دِهی، رهبری، شبکه‌های اجتماعی، منابع مادی و غیرمادی، اعتراضات را کنشی عقلانی و هدفمند می‌داند. براساس این دیدگاه، نارضایتی شرط لازم است؛ اما شرط کافی برای اعتراض محسوب نمی‌شود و دسترسی به منابع و ظرفیت بسیج، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و گسترش اعتراضات دارد (مک‌کارتی و زالد، ۱۳۸۷). نظریه ساختار فرصت‌های سیاسی نیز بر تأثیر متغیرهایی چون میزان گشودگی یا انسداد نظام سیاسی، شکاف‌های درون نخبگان، ظرفیت سرکوب یا تساهل دولت و تغییرات در موازنه قدرت تأکید می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که اعتراضات نه‌تنها محصول نارضایتی اجتماعی، بلکه تابعی از فرصت‌ها و محدودیت‌های محیط سیاسی هستند (تارو، ۱۳۸۳). در کنار این نظریه‌ها، رویکردهای هویتی و فرهنگی بر نقش معنا، هویت، ارزش‌ها، نمادها و گفتمان‌ها در شکل‌گیری اعتراضات تأکید دارند. از این منظر، اعتراضات اجتماعی می‌توانند حامل مطالبات نسلی، سبک زندگی، فرهنگی و نمادین باشند و صرفاً به مطالبات اقتصادی یا مادی تقلیل‌پذیر نیستند (کستلز، ۱۳۹۲). همچنین در برخی تحلیل‌ها از نظریه فشار ساختاری و نظریه کنش عقلانی استفاده می‌شود. نظریه فشار ساختاری بر انباشت ناکارآمدی‌های نهادی، شکاف‌های ساختاری و ناتوانی نظام اجتماعی در پاسخ‌گویی به مطالبات تأکید دارد (مرتون، ۱۳۷۸)، درحالی‌که نظریه کنش عقلانی اعتراض را نتیجه محاسبه هزینه–فایده کنشگران و ارزیابی عقلانی از پیامدهای مشارکت اعتراضی می‌داند (اولسون، ۱۳۸۶). در میان این چهارچوب‌های نظری، نظریه محرومیت نسبی بر این فرض استوار است که اعتراضات زمانی بروز می‌یابند که میان انتظارات فزاینده افراد و گروه‌ها و توان واقعی نظام اجتماعی–اقتصادی برای تحقق این انتظارات شکاف ایجاد شود.

در سطح تحلیل نحوه مواجهه نظام سیاسی با اعتراضات، نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ چهارچوبی تحلیلی ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد چگونه پدیده‌های اجتماعی از طریق گفتمان سیاسی به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت تعریف می‌شوند و درنتیجه، زمینه برای اتخاذ اقدامات فوق‌العاده و غیرروتین فراهم می‌گردد. این نظریه بر نقش کنشگران امنیتی، گفتار امنیتی، مخاطبان و پذیرش اجتماعی در فرایند امنیتی‌سازی تأکید دارد (بوزان ویور و دو وایلد، ۱۳۸۷).

در این پژوهش، نظریه محرومیت نسبی و نظریه امنیتی‌سازی کپنهاگ به‌صورت مکمل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نظریه محرومیت نسبی برای تبیین ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی و روانی اعتراضات و نظریه کپنهاگ برای تحلیل منطق امنیتی شدن اعتراضات و شیوه‌های مدیریت و مواجهه با آن‌ها به‌کاررفته است. ترکیب این دو نظریه امکان تحلیل چندسطحی اعتراضات را فراهم می‌کند

۳. مفهوم‌شناسی

«اعتراض»[1]: اعتراض به معنای بیان نگرانی، عدم رضایت، یا اعتراض در برابر یک وضعیت، تصمیم، سیاست یا عملیات مشخص است. اعتراض می‌تواند به‌صورت شفاهی، کتبی، یا از طریق رفتارها و اعمال نشان داده شود. اعتراض معمولاً یک‌راه برای اعلام دیدگاه یا نظر درباره موضوعی است. این می‌تواند به شکل یک پروتست عمومی، نامه به مقامات، تظاهرات، یا سایر روش‌هایی که برای جلب‌توجه و تأثیرگذاری بر روی تصمیم‌گیرندگان استفاده می‌شود، انجام شود. اعتراض‌ها می‌توانند در موارد مختلفی رخ دهند، ازجمله مسائل سیاسی، اجتماعی، محیط زیستی، اقتصادی و فرهنگی. هدف اصلی اعتراض معمولاً جلب‌توجه به مسئله‌ای است که فرد یا گروهی به آن معترض هستند و تغییر در آن موضوع را می‌خواهند. اعتراضات ممکن است با اهداف مختلفی همراه باشند، ازجمله تغییر سیاست‌ها، دستیابی به حقوق و عدالت، توجه به مسائل اجتماعی، تغییرات قانونی، یا تأثیرگذاری بر نظر عمومی

1. Protest

(اپتر[1]، چالرز اف[2]، ۱۳۸۰).

«الگوی مدیریت»[3]: الگوی مدیریت به مجموعه‌ای از اصول، روش‌ها و رویکردها اطلاق می‌شود که توسط مدیران و رهبران سازمان‌ها برای اداره و راهبری منابع و فعالیت‌ها استفاده می‌شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹).

«ناآرامی اجتماعی»[4]: ناآرامی اجتماعی به وضعیت‌ها و رفتارهایی اشاره دارد که باعث نقض قوانین، اصول اخلاقی و نهادهای اجتماعی می‌شوند و منجر به اختلال در انسجام و آرامش جامعه می‌گردند. این نوع ناراحتی‌ها شامل مواردی می‌شود که افراد یا گروه‌ها باعث مزاحمت، خشونت، ناسزاگویی، تخریب مال عمومی، مخدوش کردن نظم و امنیت شهروندان، بی‌توجهی به حقوق دیگران، تبعیض‌های اجتماعی، فساد، مواد مخدر و اعتیاد و سایر عوامل آسیب‌زا برای جامعه هستند. ناآرامی اجتماعی می‌تواند در سطح فردی و گروهی رخ دهد. در سطح فردی، ممکن است افراد به‌صورت فردی یا در کوچه‌ها، محله‌ها و مناطق مسکونی با رفتارهای ناشایست، تهدیدها، خشونت‌ها و اقدامات جنایی دیگران روبه‌رو شوند. در سطح گروهی، ناآرامی اجتماعی ممکن است به‌دلیل ناسازگاری و تعارض بین گروه‌های مختلف اجتماعی، تظاهرات و خشونت‌های جمعی، نژادپرستی و تبعیض‌های اجتماعی، اعتصابات و نزاعات سیاسی و اقتصادی رخ دهد. ناآرامی اجتماعی به جامعه آسیب می‌رساند و می‌تواند منجر به از بین رفتن اعتماد عمومی، کاهش روحیه شهروندی، ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی و کاهش کیفیت زندگی در جامعه شود؛ بنابراین، مقابله با ناآرامی اجتماعی و ایجاد امنیت و آرامش در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است (Gladwell,2002).

محرومیت نسبی: محرومیت نسبی به‌صورت احساس کنشگران بر وجود اختلاف میان انتظارات و توانایی محیط مشخص می‌شود. انتظارات ارزشی را باید مجموعه‌ای از کالاها و شرایط زندگی دانست که مردم خود را مستحق کسب آن‌ها می‌دانند. توانایی ارزشی هم کالاها و شرایطی هستند که مردم بر این باورند که در صورت در اختیار داشتن ابزارهای جمعی

1. Apter
2. Charles F
3. Management Model
4. Social Unrest

قادر خواهند بود آن‌ها را نیز به دست آورده و حفظ کنند (صدیقیان، ۱۳۹۳: ۳۴).

۴. روش‌شناسی پژوهش

مفهوم الگوی مدیریت اعتراضات سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران مفهومی است که در بردارنده خاستگاهی ویژه در مطالعات جامعه‌شناسی نوین است. به همین منظور برای بررسی دقیق‌تر موضوع از روش پژوهش با رویکرد کیفی و براساس تحلیل مضمون بهره‌برداری می‌شود؛ در روش‌های کیفی واقعیت به‌مثابه موجودیتی در حال شدن در نظر گرفته می‌شود.

این پژوهش با روش‌شناسی پژوهش بر مبنای رویکرد کیفی و تحلیل مضمون تبیین شد تا مشخص شود که هدف اساسی پژوهش نه صرفاً توصیف رخدادها، بلکه کشف الگوهای معنایی، روابط مفهومی و سازوکارهای نهفته در ورای رخدادهای اعتراضی مذکور است. تحلیل کیفی داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه‌های امنیت، سیاست، جامعه‌شناسی، تحلیل شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات و مدیریت بحران متمرکز بوده است. تحلیل مضمون داده‌ها در مراحل آشنایی، کدگذاری اولیه، تجمیع کدها، ایجاد زیرمضامین، شکل‌دِهی مضامین اصلی و در نهایت بازبینی و نام‌گذاری مضامین با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA انجام گرفت. منابع به‌کاررفته از اسناد دسته اول، کتابخانه‌ای، پایگاه‌های اطلاعاتی و اینترنتی است. این پژوهش ازنظر نوع هدف در حیطه پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای است.

۵. یافته‌ها و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

در این بخش، داده‌های کیفی حاصل از ۹ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با خبرگان سیاسی، امنیتی و اجتماعی مورد تحلیل مضمون قرار گرفته است. مصاحبه‌ها با مجموعه‌ای از خبرگان انجام شده که هر یک به‌گونه‌ای با موضوعات اعتراضات، امنیت اجتماعی، رسانه، سیاست‌گذاری عمومی یا تحلیل سیاسی کشور آشنا بوده‌اند

این تنوع و عمق تخصصی موجب شده مجموعه مصاحبه‌ها به‌عنوان یک منبع داده معتبر، قابل اتکا و قابل مثلث‌سازی با مطالعات اسنادی مورد استفاده قرار گیرد.

تحلیل بر مبنای مدل شش‌مرحله‌ای براون و کلارک انجام شد که شامل آشنایی، کدگذاری اولیه، جست‌وجوی مضامین، بازبینی، تعریف و نام‌گذاری مضامین و در نهایت سازمان‌دِهی داده‌ها در قالب مضامین کلان است. پس از مطالعه و کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها، بیش از ۱۷۰ کد اولیه استخراج شد که در فرایند مقایسه و ادغام مفهومی در قالب ۶ مضمون کلان به شرح زیر سازمان‌دِهی گردید:

مضمون اول: ضعف اطلاع‌رسانی

در مصاحبه‌ها، یکی از مهم‌ترین موارد، نبود اطلاع‌رسانی شفاف و روایت به‌موقع از رویدادها ذکر شده است. این تأخیر موجب گسترش شایعات در فضای مجازی گردید.

مضمون دوم: نقش رسانه‌ها و مداخله خارجی در تشدید و هدایت اعتراضات

همه مصاحبه‌شوندگان بر نقش محوری رسانه‌های خارجی، فضای مجازی و اپوزیسیون در سازمان‌دِهی و تحریک اعتراضات تأکید داشتند. رسانه‌ها در قالب جنگ روانی و شناختی، با برجسته‌سازی مشکلات و تحریف واقعیت‌ها، موج نارضایتی را به سمت اغتشاش هدایت کرده‌اند.

مضمون سوم: تحول ماهیت اعتراضات به‌صورت ترکیبی

از مصاحبه پنجم به بعد، اغلب پاسخ‌دهندگان تأکید داشتند که اعتراضات ۱۴۰۱ از نظر ماهیت با دوره‌های پیشین متفاوت بود. در این دوره، محور اصلی مطالبات به حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و هویتی تغییر یافت.

مضمون چهارم: گذار به کنترل نرم و گفت‌وگو محور

در سال‌های اخیر کنترل اعتراضات به سمت «مدیریت نرم»، «اقناع»، «دلجویی» و «مشارکت

مردمی» حرکت کرده است.

مضمون پنجم: نهادینه‌سازی مشارکت مردمی

در اغلب مصاحبه‌ها تأکید شده است که مشارکت مردم، نیروهای محلی، روحانیت و نهادهای مدنی باید پیش از بحران‌ها و نه صرفاً در هنگام اعتراضات فعال باشند. این امر، ریشه در مفهوم «حکمرانی مشارکتی» دارد.

مضمون ششم: محرومیت نسبی

در مصاحبه‌ها، «محرومیت نسبی» مطرح شده است که این موضوع مطابق با نظریه «محرومیت نسبی» است. برآیند تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که:

- ❖ عوامل تشدیدکننده شامل ضعف اطلاع‌رسانی و تحریک رسانه‌های خارجی هستند؛
- ❖ تحول ماهیتی اعتراضات سال ۱۴۰۱ در قالب جنگ ترکیبی و شناختی بوده است؛
- ❖ الگوی مطلوب مدیریت اعتراضات بر پایه «اقناع، گفت‌وگو، شفافیت و مشارکت مردم» استوار است.

۵-۱. تلفیق نتایج حاصل از تحلیل مضمون مطالعات اسنادی و مصاحبه‌ها

تحلیل مضمون تلفیقی (مرحله‌به‌مرحله براون و کلارک) بر روی نتایج حاصل از تحلیل مضمون همه مصاحبه‌ها و تحلیل مضمون حاصل از مطالعات اسنادی در این بخش انجام شده است. دو سند مشترکاً بر مجموعه‌ای از نگرانی‌های تکرارشونده تمرکز دارند: ضعف روایت و اطلاع‌رسانی، مسائل معیشتی، نقش پُررنگ رسانه‌ها و بازیگران خارجی، تحول ماهیت ترکیبی اعتراضات. متن‌ها چندین نقل قول کلیدی مشترک دارند مانند: «اطلاع‌رسانی دیرهنگام»، «رسانه‌های بیگانه» و «جنگ شناختی و ترکیبی»

مضمون ۱ «ضعف اطلاع‌رسانی»

تعریف: تأخیر در اطلاع‌رسانی، روایت‌سازی ضعیف

نمونه نقل‌قول: «اطلاع‌رسانی دیرهنگام.»

جدول ۱: مضمون ۱ «ضعف اطلاع‌رسانی»، منبع: نگارنده

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای مرتبط	نمونه نقل‌قول
ضعف اطلاع‌رسانی	اطلاع‌رسانی ناکافی	اطلاع‌رسانی ضعیف	اطلاع‌رسانی دیرهنگام سبب شد مردم به رسانه‌های دیگر رجوع کنند.
	روایت‌سازی ضعیف	روایت‌های کم عمق	روایت‌های ضعیف باعث روایت‌سازی جریان‌های غیر هم‌سو می‌شود
	تأخیر در اعلام واقعیت‌ها	اعلام دیرهنگام باعث گسترش عملیات روانی می‌شود	تأخیر در اطلاع‌رسانی خشم عمومی را چند برابر کرد.

مضمون ۲ «نقش رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و مداخلات خارجی»

تعریف: رسانه‌های بیگانه، اپوزیسیون و فضای مجازی به‌عنوان ضریب‌دهنده و جهت‌دهنده اعتراضات عمل کردند.

نمونه نقل‌قول: «رسانه‌های بیگانه با امپراتوری رسانه‌ای خود توانستند مسیر اعتراضات را به اغتشاش سیاسی تبدیل کنند.»

جدول ۲: مضمون ۲ «نقش رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و مداخلات خارجی»، منبع: نگارنده

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای مرتبط	نمونه نقل‌قول
رسانه‌ها و مداخلات خارجی	عملیات روانی خارج‌محور	بزرگ‌نمایی، تحریف، خط‌دهی رسانه‌ای	رسانه‌های بیگانه توانستند اعتراضات را به سمت اغتشاش هدایت کنند
	نقش شبکه‌های اجتماعی	هشتگ‌سازی، انتشار لحظه‌ای، بسیج کاربران	شبکه‌های اجتماعی سرعت انتشار نارضایتی را چند برابر کرد

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای مرتبط	نمونه نقل‌قول
	رقابت روایت‌ها	تقابل روایت رسمی و غیررسمی	وقتی روایت رسمی ضعیف شد، روایت رسانه‌های خارجی مسلط شد
	پیوند رسانه‌های خارجی با اپوزیسیون	جهت‌دِهی سیاسی به نارضایتی‌ها	اپوزیسیون داخلی و خارجی از هر واقعه برای فشار به نظام بهره‌برداری کرد

مضمون ۳ «تحول ماهیت اعتراضات»

تعریف: گذار تاریخی مطالبات در قالب جنگ شناختی و ترکیبی

جدول ۳: مضمون ۳، منبع: نگارنده

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای مرتبط	نمونه نقل قول
تحول ماهیت اعتراضات	نقش زنان	تشویق و ترغیب حضور زنان	طرح مسئله زنان در ۱۴۰۱ به محور
	نقش نسل جوان	تغییر ارزش‌ها، شکاف نسلی	نسل جدید با پیشینیان تفاوت دارد و خواسته‌های متفاوتی دارد.
	علائم تغییر سبک کنش اعتراضی	نمادسازی‌های نوین، روش‌های شبکه‌ای	در اعتراضات اخیر سبک کنش‌ها دیجیتال‌تر و هویتی‌تر شده است.

مضمون ۴ «طیف پاسخ به سمت نرم و ترمیمی»

تعریف: مجموعه ابزارهای واکنشی دولت – از سیاست‌های اقناعی، دلجویی و اقدامات جبرانی – که بسته به رویداد، متفاوت بوده‌اند.

نمونه نقل‌قول: در مواردی بیانات رهبری و راهپیمایی‌های حمایت موجب فروکش شدن شد.»

جدول ۴: مضمون ۴ «طیف پاسخ نرم و ترمیمی»، منبع: نگارنده

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای مرتبط	نمونه نقل قول
پاسخ‌های حکمرانی	مدیریت نرم و اقناعی	گفت‌وگو، دلجویی، بیانیه‌سازی	در برخی دوره‌ها تلاش شد از طریق گفت‌وگو فضا آرام شود.
	اقدامات ترمیمی	یارانه، سیاست‌های حمایتی، جبران خسارت	اقدامات جبرانی در برخی مناطق به کاهش تنش کمک کرد.

مضمون ۵ «مشارکت مردمی»

تعریف: نقش نهادهای محلی، مردم و ظرفیت‌های اجتماعی در کنترل و مدیریت بحران؛ پیشنهاد نهادینه‌سازی مشارکت.

نمونه نقل قول: «نیروهای مردمی نباید فقط در زمان بحران فعال شوند، بلکه باید مشارکت دائمی در اداره کشور داشته باشند.»

جدول ۵: مضمون ۵ «مشارکت مردمی»، منبع: نگارنده

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای مرتبط	نمونه نقل قول
مشارکت مردمی	نقش نهادهای محلی	معتمدان محلی، ریش‌سفیدان، گروه‌های محلی	در خوزستان، معتمدان نقش مهمی در آرام‌سازی داشتند.
	حضور نیروهای مردمی	بسیج مردمی، مشارکت در مدیریت صحنه	نیروهای مردمی در بسیاری از مناطق به آرام‌سازی کمک کردند.
	لزوم نهادینه‌سازی مشارکت	مشارکت پایدار، مشارکت سیاسی-اجتماعی	مشارکت نباید فقط در بحران باشد؛ باید ساختاری شود.
	اعتمادسازی اجتماعی	نقش مردم در مشروعیت‌سازی	اگر مردم شریک تصمیم‌گیری باشند، تنش‌ها کم‌تر می‌شود.

مضمون ۶ «پیامدهای چندبُعدی»

تعریف: پیامدهای اعتراضات که شامل افزایش هزینه‌ها در حوزه‌های مختلف، کاهش

سرمایه‌گذاری بوده‌اند.

نمونه نقل‌قول: «کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به‌دلیل ناامنی، افزایش هزینه‌های امنیتی...»

جدول ۶: مضمون ۶ «پیامدهای چندبُعدی (اقتصادی، امنیتی، فرهنگی)»، منبع: نگارنده

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای مرتبط	نمونه نقل‌قول
پیامدهای چندبُعدی اعتراضات	پیامدهای اقتصادی	کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه‌های حکمرانی	اعتراضات باعث کاهش شدید سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی شد.
	پیامدهای امنیتی	افزایش هزینه امنیتی، آسیب به زیرساخت‌ها	در دوره‌هایی هزینه امنیتی چند برابر شد.
	پیامدهای اجتماعی	شکاف نسلی، تغییر سرمایهٔ اجتماعی	شکاف میان جامعه و حاکمیت در برخی دوره‌ها عمیق‌تر شد.
	پیامدهای فرهنگی	تغییر نمادها و سبک کنشگری	اعتراضات ۱۴۰۱ موجب دگرگونی فرهنگی قابل توجهی شد.

مضمون ۷ «محرومیت نسبی»

تعریف: محرومیت نسبی زمینه‌ساز برخی اعتراضات بوده است.

نمونه نقل‌قول: «مشکلات معیشتی و تأمین نیازهای اولیه مردم به‌عنوان یک زمینه موردی کی از عوامل شکل‌گیری اعتراضات بوده است.»

جدول ۷: مضمون ۷ «محرومیت نسبی و مسائل معیشتی»، منبع: نگارنده

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای مرتبط	نمونه نقل قول
محرومیت نسبی و مسائل معیشتی	شوک‌های اقتصادی	افزایش ناگهانی قیمت بنزین،	افزایش ناگهانی قیمت بنزین مردم اعتراضات را شدت داد.
	بحران‌های صنفی	مشکلات کارگران، اصناف، کشاورزان	اعتراضات صنفی، به‌ویژه در حوزه کارگری و کشاورزی

تحلیل تلفیقی داده‌های کیفی به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های عمیق و محتوای مطالعات اسنادی پژوهش نشان می‌دهد که پدیده اعتراضات سیاسی- اجتماعی در ایران، در بازهٔ زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ واجد الگوی علّی- تشدیدی -پاسخی پیچیده و چندلایه و ترکیبی است که از تعامل میان این لایه‌های ترکیبی ناشی می‌شود. این الگو نه یک ساختار خطی، بلکه سامانه‌ای پویا و در حال تغییر است که به‌صورت مرحله‌ای در دوره‌های اعتراضی مختلف بروز کرده و ماهیت آن به‌تدریج دچار تحول شده است.

لایه اول: ضعف اطلاع‌رسانی

در لایه اول، مضمون ضعف اطلاع‌رسانی، بحران روایت و کاهش سرمایهٔ اجتماعی به‌عنوان یک عامل کلیدی و تشدیدکننده مطرح شده است. مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که «اطلاع‌رسانی دیرهنگام، روایت‌های ضعیف در برخی رخدادها زمینه‌ساز گسترش نارضایتی شده است. پژوهش نیز دقیقاً همین فرایند را بازتاب می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه ضعف روایت‌سازی و ناتوانی در تولید پیام معتبر، اجازه داده تا روایت‌های جایگزین (خصوصاً رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی) هژمونی اطلاعاتی را در لحظات بحرانی به دست بگیرند. بنابراین، ضعف اطلاع‌رسانی، به‌عنوان حلقه میانی زنجیره اعتراضات، نقش تقویت‌کننده دارد و از یک «اعتراض حداقلی» می‌تواند یک «بحران سیاسی-مشروعیتی حداکثری» بسازد.

لایه دوم: نقش رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و مداخلات خارجی

در لایه دوم، مضمون نقش رسانه‌ها و بازیگران خارجی با هر دو منبع داده هم‌پوشانی شدید دارد. مصاحبه‌شوندگان بارها اشاره کردند که «امپراتوری رسانه‌ای بیگانه» با استفاده از فضای مجازی، اعتراضات را بازتعریف، بزرگ‌نمایی و جهت‌دهی می‌کند. در تمام دوره‌ها، این متغیر رسانه‌ای-برون‌مرزی، به‌عنوان یک «ضریب‌ساز» و «شتاب‌دهنده» ایفای نقش کرده و معادلات میدانی را از یک اعتراض محدود به یک روند ملی و سیاسی ارتقا داده است. نقش این عوامل، از ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در سطح تشدیدکننده باقی ماند؛ اما در ۱۴۰۱ این نقش تعیین‌کننده شد و رسانه‌ها توانستند میدان اعتراضات را به میدان نبرد روایت‌ها تبدیل کنند.

لایه سوم: تحول ماهیت اعتراضات

در لایه سوم، مضمون تحول ماهیت اعتراضات داده‌ها نشان می‌دهند که مسیر اعتراضات در قالب جنگ شناختی و ترکیبی دشمن از سال‌های (۱۳۹۶) تا (۱۴۰۱) در قالب موضوعات مختلف تغییر یافته است. که پیچیدگی‌های بیشتری داشته و پاسخ به آن، نیازمند ابزارهای متفاوت و چندبُعدی است.

لایه چهارم: طیف چندگانه پاسخ‌ها به اعتراضات

در لایه چهارم، داده‌ها نشان می‌دهند که پاسخ نظام حکمرانی به اعتراضات، در یک طیف از کنترل‌ها به‌ویژه مدیریت نرم (اقناع، گفت‌وگو، دلجویی و اقدامات ترمیمی) قرار دارد؛ اما ترکیب این طیف همواره ثابت نبوده و بسته به ماهیت و موقعیت رخداد تغییر کرده است. مصاحبه‌شوندگان نیز تأکید داشتند که مواجهه نرم و حضور نهادهای محلی، به‌ویژه در خوزستان و اصفهان ۱۴۰۰، اثر کاهنده داشته است. بنابراین، الگوی رفتاری حکمرانی نیز رو به تحول بوده و از تک‌بُعدی بودن فاصله گرفته است.

لایه پنجم: نقش مشارکت مردمی و ظرفیت‌های محلی در مدیریت اعتراضات

در لایه پنجم، مضمون مشارکت مردمی و حکمرانی مشارکتی به‌عنوان یک ظرفیت مهم اما کم استفاده شده مطرح شد. در داده‌های مصاحبه تأکید شد که نیروهای مردمی، نهادهای محلی و شبکه‌های اجتماعی در برخی موارد، نقش مهمی در آرام‌سازی فضا ایفا کرده‌اند و اگر این مشارکت از سطح واکنش در زمان بحران به سطح «مشارکت نظام‌مند و دائمی» ارتقا یابد، می‌تواند بسیاری از شکاف‌های اعتماد و نارضایتی را ترمیم کند. این مضمون در مطالعات اسنادی نیز به‌صورت ضمنی دیده می‌شود، به‌ویژه در اشاره به نقش نهادهای محلی و ظرفیت‌های اجتماعی در مدیریت اعتراضات ۱۴۰۰.

لایه ششم: پیامدهای چندبُعدی اعتراضات

در نهایت، لایه ششم به پیامدهای چندبُعدی اعتراضات اختصاص دارد. برآیند دو منبع نشان می‌دهد که این اعتراضات، پیامدهای جدی اقتصادی مانند کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش

هزینه‌های حکمرانی و پیامدهای فرهنگی مانند تغییر الگوهای مشارکت اجتماعی را به‌همراه داشته‌اند. این پیامدها ماهیتاً طولانی‌مدت و ساختاری هستند و نشان می‌دهند که مدیریت اعتراضات در ایران یک موضوع مقطعی نیست، بلکه بخشی از یک «چرخه پویای حکمرانی» است که آثار آن بر آینده اجتماعی و اقتصادی کشور قابل‌چشم‌پوشی نیست.

لایه هفتم: محرومیت نسبی

در این لایه، محرومیت نسبی نقش یک محرک پس‌زمینه‌ای دائمی را نیز بازی می‌کند که در تعامل با سایر عوامل، در بروز و دامنه اعتراضات نقش دارد و همواره جریانات و رسانه‌های خارج از کشور به‌عنوان اهرمی جهت تشدید اعتراضات استفاده می‌کنند.

۶. نتیجه‌گیری

ترکیب تحلیلی دو منبع داده نشان می‌دهد که اعتراضات ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ یک روند خطی یا تک‌عاملی نیست، بلکه حاصل ترکیب پیچیده‌ای از مسائل (اقتصادی، زیست‌محیطی)، ضعف اطلاع‌رسانی، رقابت روایت‌ها و تغییرات هویتی و نسلی است. پاسخ حکمرانی نیز از مدل امنیتی تک‌بُعدی فاصله گرفته و به سمت «مدیریت چندسطحی» حرکت کرده است؛ که در ادامه به‌صورت مبسوط به این موارد پرداخته شده است.

۶-۱. شباهت‌ها و تفاوت‌های اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی

اعتراض‌های سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ در الگوی بروز، علل زمینه‌ای و شیوه کنشگری دارای شباهت‌هایی همچون ریشه داشتن در ضعف اطلاع‌رسانی و نقش‌آفرینی شبکه‌های اجتماعی و جریان‌سازی‌ها خارجی بودند؛ همچنین دامنه و سرعت انتشار اعتراضات ۱۴۰۱ بسیار گسترده‌تر و دیجیتالی‌تر بود و نقش نسل جوان در آن چشمگیرتر بود. شدت مداخله رسانه‌های خارجی، تحول در نمادهای اعتراضی و پیچیدگی کنشگری نیز در ۱۴۰۱ برجسته‌تر از سال‌های پیشین ارزیابی شد.

چگونگی تأثیر عوامل بین‌المللی و خارجی بر اعتراض‌های سیاسی-اجتماعی: عوامل

بین‌المللی و خارجی در اعتراض‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ عمدتاً از طریق رسانه‌های برون‌مرزی، عملیات روانی دیجیتال، تحریم‌های اقتصادی و حمایت شبکه‌ای از کنشگران معارض تأثیرگذار بوده‌اند. فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها زمینه نارضایتی درونی را تشدید کرده و شبکه‌های اجتماعی فرامرزی امکان تشدید، هماهنگ‌سازی و تسریع اعتراضات را فراهم کرده‌اند. همچنین روایت‌سازی رسانه‌های خارجی و ورود گروه‌های اپوزیسیون خارج‌نشین به میدان، موجب تغییر جهت‌گیری برخی اعتراض‌ها از مطالبات اقتصادی به مطالبات سیاسی و هویتی شده است. یافته‌ها نشان داد که نقش عوامل خارجی در سال ۱۴۰۱ بیش از دوره‌های پیشین بوده و در قالب «جنگ شناختی» و «جنگ روایت‌ها» خود را آشکار کرده است. عوامل خارجی و بین‌المللی در اعتراض‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ نقش قابل‌توجهی داشته‌اند؛ اما این نقش مستقیم، سازمان‌دهی‌شده و هدایت‌شده از بیرون نبوده بلکه بیشتر در قالب میانجی‌های رسانه‌ای، اقتصادی و روانی عمل کرده است. عوامل بین‌المللی و خارجی از سه راه اصلی بر اعتراضات ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ اثر گذاشته‌اند: ۱. تشدید فشار اقتصادی (تحریم‌ها)؛ ۲. تشدید فشار روانی–اجتماعی (رسانه‌های خارجی و جنگ روایت‌ها)؛ ۳. تغییر جهت‌گیری اعتراضات (از مطالبات اقتصادی به هویتی). به‌ویژه در سال ۱۴۰۱، این عوامل در قالب عملیات شناختی، رسانه‌ای و نمادسازی دیجیتال نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشتند و به تسریع، گسترش و گفتمان‌سازی اعتراضات کمک کردند.

تأثیر نوع عملکرد نظام سیاسی مستقر و نیروهای سیاسی داخل نظام و اپوزیسیون نظام بر اعتراض‌های سیاسی–اجتماعی: یافته‌ها نشان می‌دهد عملکرد اپوزیسیون نیز هم در سطح «بهره‌برداری رسانه‌ای» و هم در سطح «جهت‌دهی گفتمانی و عملیاتی» اثرگذار بوده و نقش بسیاری ایفا نموده است. درنتیجه، اپوزیسیون و نیروهای خارج از نظام در برخی جاها نقش طراحی و در نهایت نقش تشدیدکننده و جهت‌دهنده داشته‌اند به‌طوری‌که نقش عوامل خارجی در ۱۴۰۱ بسیار پررنگ‌تر شد از قبل شده بود.

ابعاد، مؤلفه و شاخص‌های اعتراض‌های سیاسی–اجتماعی: اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ در ایران دارای ابعاد مختلفی بوده است و شامل ابعادی و

مؤلفه‌هایی چون بُعد رسانه‌ای-شناختی، نقش‌آفرینی رسانه‌های داخلی و خارجی، گستردگی جغرافیایی، سرعت انتشار دیجیتال، حضور نسل جوان، نمادهای هویتی، مسائل معیشتی، عملیات روانی رسانه‌ها شاخص‌های محوری این دوره بوده‌اند. یافته‌ها تأکید می‌کنند که اعتراضات اخیر چندبُعدی، ترکیبی و تحول‌یافته بوده است و نتایج نشان داده است که اعتراض‌ها در ایران طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ چندبُعدی و ترکیبی و شناختی بوده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را یک بُعدی دانست. ابعاد یاد شده در تعامل با یکدیگر عمل کرده‌اند. ازاین‌رو اعتراض‌ها در این سال‌ها در چهارچوب یک مدل ترکیبی قابل تحلیل‌اند که به‌طور هم‌زمان عمل نموده‌اند.

ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اعتراض‌های اجتماعی ایران در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ دارای یک رابطه علی-تعاملی و شبکه‌ای هستند؛ به این معنا که ضعف اطلاع‌رسانی، نقش‌آفرینی اپوزیسیون، مطالبات معیشتی و نقش رسانه‌ها بیگانه نه‌تنها به‌صورت مستقل عمل نکرده‌اند، بلکه هرکدام موجب تشدید دیگری شده‌اند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که ضعف اطلاع‌رسانی محرک تشدیدکننده، رسانه‌ها بیگانه شتاب‌دهنده و گسترده‌ساز، تحولات اجتماعی-فرهنگی تغییردهنده ماهیت اعتراضات بوده‌اند. بنابراین میان ابعاد مختلف یک رابطه چندوجهی برقرار است که درمجموع به شکل‌گیری و تشدید اعتراضات ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ انجامیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اعتراض‌های اجتماعی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ یک الگوی «تعامل چندسطحی و تقویت متقابل» برقرار است. این الگو نشان می‌دهد که هیچ‌یک از ابعاد به‌صورت ایستا و مجزا عمل نکرده‌اند، بلکه در قالب یک نظام اعتراضی چهارسطحی بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند.

الگوی مدیریت اعتراضات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران: الگوی مدیریت اعتراضات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱، یک الگوی ترکیبی، مرحله‌ای و متحول‌شونده بوده است که هم از ابزارهای «سخت‌افزاری» و هم از سازوکارهای «مدیریت نرم، اقناعی و ترمیمی» بهره گرفته است. در این دوره، پاسخ حکمرانی شامل کنترل میدانی، مدیریت روایت، استفاده از ظرفیت‌های محلی، اقدامات ترمیمی

اقتصادی، مدیریت رسانه‌ای و تلاش برای کاهش شکاف دولت–جامعه است. براساس یافته‌ها، الگوی نهایی مدیریت اعتراضات در این دوره نه صرفاً امنیتی و نه کاملاً اقناعی، بلکه الگویی «ترکیبی چندبُعدی» است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت اعتراضات سیاسی و اجتماعی ایران در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ از یک الگوی تک‌بُعدی فاصله گرفته و به سمت یک الگوی چندبُعدی–مرحله‌ای حرکت کرده است. این الگو حاصل تعامل چهار عامل اصلی است: نوع اعتراض، سطح خطر، توان حکمرانی و شرایط اجتماعی–رسانه‌ای. مدیریت اعتراضات سیاسی–اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ براساس یک الگوی ترکیبی، تطبیقی و چندلایه شکل گرفته که در آن:

- ❖ کنترل سخت نقش پایه داشته؛
- ❖ مدیریت نرم و اجتماعی نقش تکمیلی داشته؛
- ❖ مدیریت رسانه‌ای و شناختی نقش حیاتی و فزاینده یافته؛
- ❖ اقدامات ترمیمی نقش پایدارسازی ایفا کرده است.

این الگو نشان می‌دهد که مدیریت اعتراضات در ایران نه یک فرایند تک‌مرحله‌ای، بلکه سیستمی چندبُعدی و چندسطحی است که بر مبنای ترکیب ابزارهای امنیتی، سیاسی، اجتماعی، رسانه‌ای و سیاست‌گذاری عمومی عمل می‌کند.

فهرست منابع

اخوان کاظمی، مهدی؛ قائمی، محمد (۱۴۰۲). ***ریشه‌ها و اشکال مختلف گرایش به خشونت و پرخاشگری در تعاملات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران (مطالعه موردی: اعتراضات پاییز ۱۴۰۱)***. فصلنامه مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی، ۱۲ (۲).

اسملسر، نیل جی (۱۳۸۱). ***نظریه رفتار جمعی***. ترجمه حسن پویان. تهران: نشر نی.

اولسون، منسر (۱۳۸۶). ***منطق کنش جمعی: کالاهای عمومی و نظریه گروه‌ها***. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.

بوزان، باری ویور، اوله؛ دو وایلد، یاپ (۱۳۸۷). ***امنیتی‌سازی: چهارچوبی نوین برای تحلیل امنیت***. ترجمه علیرضا طیب. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

رمضانی، محمد؛ محمدیان، مهدی (۱۳۹۹). ***شناسایی و اولویت‌بندی عوامل اقتصادی مؤثر بر بروز نارضایتی‌های اجتماعی (مطالعه موردی شهر تهران)***. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۰ (۷۹).

سام‌دلیری، کاظم (۱۳۸۲). ***مطالعات پایه: سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت گر***. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۰ (۲).

سردار نیا، حسین (۱۳۸۸). ***اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها: بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی***. فصلنامه علوم اجتماعی، ۴ (۲).

سردار نیا، حسین؛ البرزی، علی (۱۴۰۱). ***تحلیل اعتراضات صنفی- اجتماعی اخیر در ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) از منظر نظریه سیاست خیابان***. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵ (۳).

سمیعیان، محمد؛ دعاگویان، حمیدرضا (۱۳۹۹). ***مدیریت اعتراضات اجتماعی و فرهنگی در ایران***. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۵ (۱).

شکرالهی، محمد؛ صفرزاده عربی، محمدحسین (۱۳۹۵). ***چالش‌های فراروی آزادی تجمعات و اعتراضات در جمهوری اسلامی ایران***. فصلنامه حقوق عمومی، ۱۸ (۵۲).

صارمی، محمدرضا (۱۳۹۳). ***بررسی تحولات کنش‌های کارگری چند دهه اخیر در ایران***. فصلنامه مطالعات کار و رفاه اجتماعی، ۴ (۱).

طالبان، محمدرضا (۱۳۹۹). ***دین‌داری و پتانسیل اعتراض سیاسی در ایران***. فصلنامه پژوهش‌های

جامعه‌شناسی سیاسی، ۳ (۲).

عشایری، محمد؛ عادل، حسین (۱۴۰۱). ***تحلیل الگوی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۹۸)***. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، ۱۴ (۲).

قائدی، احمد؛ حسینی، علی؛ شریفی، رضا (۱۴۰۰). ***عوامل مؤثر در بروز بحران امنیتی در شهرهای ایران (کاربست نظریه محرومیت نسبی در تحلیل اعتراضات آبان ۱۳۹۸)***. فصلنامه مطالعات امنیتی، ۶ (۲).

کستلز، مانوئل (۱۳۹۲). ***شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت***. ترجمه حسن پویان. تهران: نشر نی.

گر، تد رابرت (۱۳۸۰). ***چرا انسان‌ها شورش می‌کنند***. ترجمه علی مرشدی‌زاده. تهران: انتشارات نی.

گر، تد رابرت (۱۴۰۰). ***شورش سیاسی***. ترجمه سعید صادقی جقه. تهران: انتشارات سمت.

گر، تد رابرت (۱۴۰۲). ***چرا انسان‌ها شورش می‌کنند***. ترجمه علی مرشدی‌زاده. چاپ جدید. تهران: انتشارات نی.

مرتون، رابرت کی (۱۳۷۸). ***نظریه اجتماعی و ساختار اجتماعی***. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: نشر توس.

References

Buzan, B. (1983). *People, States and Fear: The National Security Problem in International Relations*. Brighton: Wheatsheaf Books.

Buzan, B. Wæver, O. & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder: Lynne Rienner Publishers.

Castells, M. (2012). *Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age*. Cambridge: Polity Press.

Gurr, T. R. (1970). *Why Men Rebel*. Princeton: Princeton University Press.

McCarthy, J. D. & Zald, M. N. (1977). *Resource Mobilization and Social Movements: A Partial Theory*. American Journal of Sociology, 82(6), 1212–1241.

Olson, M. (1965). *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Smelser, N. J. (1962). *Theory of Collective Behavior*. New York: Free Press.

Tarrow, S. (1998). *Power in Movement: Social Movements and Contentious Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.